

## ساخت موتور جت جدید مافوق صوت

شرکت جنرال موتورز از تولید موتور جت مافوق صوت تازه‌ای به نام آفینیتی خبر داده که برای نصب بر روی طیاره‌های تجاری طراحی شده است. مهم‌ترین مزیت این موتور جت قدرت بالای آن است که به طیاره‌های تجاری امکان می‌دهد با سرعتی مافوق صوت پرواز کنند. قرار است این موتور بر روی جت‌های تجاری مافوق صوت Aerion AS۲ نصب شود که با همکاری لاکهیدمارتین، جنرال موتورز و هانی ول طراحی شده‌اند و می‌توانند در عرض سه ساعت از قاره آمریکا به قاره اروپا برسند. از زمان بازتخته شدن طیاره‌های کنکور، طیاره‌های مسافربری مافوق صوت رونق خود را از دست داده‌اند. اما ابتکار عمل‌های تازه‌ای توسط ناسا و برخی شرکت‌های دیگر در حال اجراست که طیاره‌های یاد شده را مجدد احیا کند. با اجرای این ابتکار عمل‌ها بر مشکلاتی مانند سوخت رسانی به این طیاره‌ها، سرو صدای آن‌ها و هزینه‌های بالای پرواز آن‌ها هم غلبه خواهد شد.

موتور جت این طیاره‌ها با همکاری دو شرکت رولزرویس و Snecma Olympus طراحی شده و با استفاده از آن‌ها سرعت پرواز طیاره‌های یاد شده به ۲۱۷۳ کیلومتر در ساعت می‌رسد. طیاره‌های که با استفاده از این موتورها تولید می‌شوند تا ارتفاع ۶۰ هزار پایی (۱۸ هزار متری) اوج خواهند گرفت و آلودگی صوتی چندانی برای ساکنان شهرها و روستاها ایجاد نمی‌کنند. انتظار می‌رود اولین پرواز آزمایشی طیاره‌های مجهز به چنین موتور جتی در سال ۲۰۲۳ انجام شود.

شماره ۲۰۱ سال پنجم، یکشنبه، ۶ عقرب، ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۲۸ اکتوبر ۲۰۱۸



## حاشیه‌های یک انتخابات؛ جدال بر سر ابطال و پذیرش آرای بدون بایومتریک



محمد نسیم نظری

انتخابات به معنی واقعی کلمه، باید بتواند چرخش نخبگان سیاسی را به دور از هرگونه ملاحظیات ساختاری و تشکیلاتی در فضای مناسب سیاسی تنظیم و اجرا نماید. انتخابات در نظام‌های دموکراتیک مهم‌ترین اصل تشکیل ساختار سیاسی بر اساس تصامیم جمعی و اراده عمومی است؛ زیرا اصولن در الگوهای الیگارشسی و توتالتر هیچ شائبه و نمونه کوچک از تصمیم جمعی مبنی بر گفتمان پذیرفته شده سیاسی وجود ندارد، ساختارهای دموکراتیک در پاسخ به تک انگاری و فرد محوری، ایجاد و به مرحله عمل رسیده است.

۲

### انتقادات از روند برگزاری انتخابات پارلمانی در قندهار

کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی افغانستان از روند برگزاری انتخابات پارلمانی در ولایت قندهار انتقاد کرده و می‌گوید که گزارش‌های منتشر شده از قندهار نشان می‌دهد که برای برگزاری انتخابات در این ولایت آمادگی لازم وجود نداشته است. انتخابات پارلمانی در ولایت قندهار از صبح دیروز شنبه ۵ عقرب، آغاز شد. گزارش‌های منتشر شده از قندهار نشان می‌دهد که مردم، صف‌های طولانی در مراکز رای‌دهی تشکیل داده‌اند اما انتخابات قندهار نیز با مشکلاتی همراه است. علی‌رضا روحانی سخنگوی کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی افغانستان گفت که «متأسفانه باز هم، کم و کاستی‌ها و مشکلات انتخابات هفت هفته گذشته این بار در قندهار تکرار شده است».

هفته گذشته انتخابات پارلمانی در ۳۲ ولایت افغانستان برگزار شد اما شکایات‌های فراوانی از دیر باز شدن مراکز رای‌دهی، نبودن فهرست رای‌دهندگان، فعال نبودن ماشین‌های بایومتریک و حاضر نبودن کارمندان مراکز رای‌دهی وجود داشت. کمیسیون انتخابات در روزهای گذشته از آمادگی برای برگزاری بهتر انتخابات پارلمانی در قندهار خبر داده بود؛ اما سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گوید «تکرار مشکلات هفته قبل به معنای این است که آمادگی کامل برای برگزاری انتخابات پارلمانی قندهار وجود نداشته است». علی‌رضا روحانی افزود که کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان به هیچ وجه نباید تکرار مشکلات در انتخابات قندهار را توجیه کند.

### طالبان ۳۶ باشنده ولایت دایکندی را گروگان گرفته‌اند

به نقل از رسانه‌ها؛ غیرت‌علی جواهری عضو شورای ولایتی دایکندی می‌گوید، که گروه طالبان، با مسدود نمودن مسیر کجران- قندهار در قریبه‌های «خود و بالا دشت» ولسوالی کجران، ۳۶ باشنده این ولسوالی را که اطفال نیز در بین آنان می‌باشند، به گروگان گرفته‌اند. موصوف افزود: «موضوعات گروگان‌گیری و مسدود شدن راه‌های مواصلاتی در این ولسوالی تا زگی ندارد و طالبان از مسدود نمودن راه‌ها منحصبت یک ابزار برای اعمال فشار بیشتر بالای نیروهای امنیتی استفاده می‌کنند؛ اما متأسفانه حکومت تدابیری که بتواند امنیت این مسیر را تامین کند روی دست نگرفته است». به گفته او، گزارش‌های وجود دارد که طالبان این گروگان‌گیری را به دلیل هدف قرار گرفتن افراد شان از سوی نیروهای امنیتی انجام داده‌اند. وی علاوه کرد که گروه طالبان در سال جاری، چندین بار بالای قرارگاه‌های نیروهای امنیتی با تجهیزات بیشتر نسبت به نیروهای امنیتی حمله ور شده‌اند، که خسارات زیاد جانی و مالی در پی داشته است. جواهری ادعا کرد: «حکومت برای بقا و تسلط طالبان بر مناطق بیشتر همسو با این گروه است؛ در غیر آن صورت وقتی که طالبان برای عملیات تجمع می‌کنند، باید حکومت آنان را سرکوب کند؛ اما متأسفانه حکومت حتی اجازه شلیک بالای طالبان برای نیروهای امنیتی را نمی‌دهند».

## روزگار دشوار نویسندگان

امیر پناهیان



«کتاب» هزاره‌های اهل سنت» مسئله‌ساز شد و امروز، روز پرماجرایی داشتم، شدید تهدید شدم، رنج کشیدم و اذیت شدم. بنابراین، چند روزی در سفرم.» این جمله‌ها، پارهای از نوشته‌های بود، که در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۶ خورشیدی، دکتر حفیظ شریعتی (سحر)، محقق و پژوهشگر تاریخ و ادبیات، پس از رونمایی کتاب هزاره‌های اهل سنت، در فیسبوکش همگانی کرد، سپس سحر به مدت چند روز در جای امنی مسکن‌گزین شد و پس از آن‌که در ظاهر سطح تهدیدها پایین آمد، دوباره به کابل برگشت؛ اما تهدیدها

هنوز هم ادامه دارد و این چندمین بار است که دکتر شریعتی با همگانی‌کردن موردهای مشکوک و تهدیدآمیز در رسانه‌های اجتماعی نسبت به امنیت جانی‌اش ابراز نگرانی کرده است. ماجرا از کجا شروع شد در تاریخ شانزدهم میزان ۹۷، پس از رونمایی کتاب هزاره‌های اهل سنت، دکتر حفیظ شریعتی (سحر) (نویسنده کتاب)، در حضور استادان و همکارانش با چند نفر رویرو می‌شود، که با برافروختگی و تندخویی، معترض بودند، که چرا او (حفیظ شریعتی سحر) در باره‌ی آنان به خطا مطلبی نوشته است. صفحه‌ی ۳

## انتخابات؛ سناریوی که قربانی اصلی آن رای دهندگان بود

توغل



ولایتی بودند، اما هیچ یک از انتخابات گذشته به‌ویژه در بخش انتخابات شورای ملی، با چنین افتضاح و رسوایی همراه نبود. کمیسیون انتخابات که این سناریوی شرم آور را مدیریت می‌کرد، بار بار ادعا کرد، که قریب به نه میلیون نفر از جمعیت کل کشور برای شرکت در انتخابات ثبت نام کرده‌اند، ولی واقعیت تلخ که پس از انتخابات درج تاریخ گردید، بنا به ادعای همین کمیسیون از حدود چهارمیلیون از جمعیت سی میلیونی کشور در این سناریوی دروغین شرکت نکرده بودند. این انتخابات که جز حکومت و اعضای رهبری کمیسیون، تأیید هیچ فرد از شهروندان کشور را به همراه نداشت، رسوایی آن همه به آدرس کمیسیون انتخابات بر می‌گردد. صفحه‌ی ۳

قانون اساسی افغانستان، شامل ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده است. فصل پنجم این سند گویا ملی به شورای ملی اختصاص داده شده است. در این فصل زیر همان عنوان، تحت ماده هشتاد و یکم می‌خوانیم که: شورای ملی دولت ج.ا.ا افغانستان بحیث عالی‌ترین ارگان تقنینی مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه‌ی ملت نمایندگی می‌کند. به دنبال آن ذیل ماده ۸۳ به تأکید آمده است، که اعضای ولسی‌جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌شود. مردم افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ شاهد چندین دور انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی و شورای

## گپ مردم



### الزام توجه به پس‌لرزه‌های احتمالی

#### ترور جنرال رازق

از ده روز به این سو، پس از آن‌که خبر ترور جنرال رازق اچکزى، قوماندان امنیه‌ی ولایت قندهار تأیید شد؛ مردم و کاربران رسانه‌های اجتماعی، به‌صورت نسبتن یک‌رنگ و یک‌دست به قتل این جنرال مقتدر و پرآوازه، با تأسف و تأثر بسیار، واکنش نشان دادند و مرگ او را ضایعه‌ی بزرگ و جبران‌ناشدنی برای نیروهای امنیتی خواندند. واکنش رییس‌جمهور و دیگر مقام‌های ارشد حکومتی، نیز چنین بود. آقای غنی چند روز بعد از این واقعه، در رأس یک هیأت بلند پایه به قندهار رفت و با برادر و مادر جنرال رازق، دیدار کرد. حامد کرزی رییس‌جمهور پیشین، پیش‌تر از آقای غنی برای غم‌شریکی با خانواده‌ی جنرال رازق به قندهار رفته بود. با آن‌که ترور این جنرال پر آوازه، در دمامد برگزاری انتخابات پارلمانی اتفاق افتاد و شاید سر و صداهای انتخابات، روی بازتاب آن، میان مردم تأثیر داشت، اما این رخداد، زیر آوار اخبار داغ انتخابات، گم نشد و در بسیاری از ولایات و حتا در میان افغان‌های مقیم در کشورهای بیرونی بازتاب پیدا کرد. فراتر از این واکنش‌ها، ترور جنرال رازق، جدا از اتهام‌های که بر او وارد است، بدون شک پس‌لرزه‌های را به‌دنبال دارد. در شرایطی که وضعیت امنیتی، شکننده‌تر از گذشته به‌نظر می‌رسد، کشته‌شدن چهره‌ای که از او به‌عنوان سد محکم امنیتی در زون جنوب (محل جولان شورشیان)، یاد می‌شد، برای طالبان و دیگر گروه‌های شورشی پیروزی بزرگی در میدان جنگ، محسوب می‌شود. در فضای مافیایی جنوب کشور، جنرال رازق توانسته بود، گاه با سازش، گاه با زور و گاهی هم با هم‌سویی با زورمندان و شبکه‌های مافیایی و گروه‌های شورشی چون طالبان، امنیت نسبی را هم در قندهار و این‌که چه‌اتهام‌های بر او وارد بود/است، اما در ولایت به‌شدت پیچیده‌ای چون قندهار، که قدرت و سیاست در آن، به نوعی با مصلحت‌های تیره‌ای گره خورده و متأثر از متغیرهای بسیار است، ترور شدن و از میان برداشته‌شدن چهره‌ای چون جنرال رازق، که توانسته بود، تمامی این متغیرها را دور بزند و ثبات و امنیت نسبی را در قلب جغرافیای مافیایی کشور تأمین کند، بدون شک نگران‌کننده است.

واقعیت این است، که در جامعه‌ی مثل افغانستان و به‌ویژه در بخش‌های جنوبی این سرزمین، هنوز هم فرهنگ قبیله‌گرایی به شدت فعال است. این فرهنگ به نوع خود، یکی از بزرگ‌ترین عوامل تشتت و پراکندگی کنونی است. اکنون دست‌کم فرماندهی از دست رفته است، که از توان کافی مدیریت، در چنین یک جامعه‌ای برخوردار بود؛ جامعه‌ای که سازوکارهای اجتماعی و سیاسی در آن به‌شدت قبیله‌ای است و شبکه‌های مافیایی بر بستر آن اشراف زیادی دارند. جنرال رازق با تمامی اتهاماتی که بر خود داشت، اما یک امتیاز بسیار مهم نیز داشت؛ این‌که بارها نشان داده بود؛ مهارت و توانایی تأمین امنیت در بستر چنین جامعه را دارد. نگرانی از همین جا آغاز می‌شود، که در روزگار پس از چنین فرماندهی، وضعیت بخش‌های جنوبی و به‌ویژه ولایت استراتژیک قندهار به کدام سو می‌رود؟

این‌که دست‌های بنگاه‌های مافیایی و چهره‌های متهم به فساد و مافیاجری، از قدرت و سیاست کوتاه شود، حرف نیکو و مقبولی است؛ اما در وضعیتی که سطح تهدیدها بلند است و بدیل چهره‌های چون جنرال رازق، طالبان و دیگر شبکه‌های مافیایی است، بودن افرادی مانند رازق اچکزى برای تداوم وضعیت کنونی و فرار از سقوط در کام هیولای تروریسم، یک فرصت است. مسوولان نهادهای امنیتی و رهبری حکومت، باید نگران پس‌لرزه‌های اتفاقات از این دست باشند و با مصلحت‌سنجی و آینده‌نگری جلو وخیم‌تر شدن اوضاع را بگیرند.

## حاشیه‌های یک انتخابات؛ جدال بر سر ابطال و پذیرش آرای بدون بایومتریک

جامعه و لایه‌های مختلف آن است. اما به هر صورت و با توجه به عظمت گفتمان دموکراتیک در خرد و باور جدید انسان امروزی، افغانستان می‌بایست در راستای تحقق اهداف ساختاری و نهادمند نمودن گفتمان قدرت در تمامی سطوح، راهکارهای مناسب برای استفاده از دانش جدید همراه با تکنولوژی مؤثر در فرایندهای تصمیم‌گیری عمومی، ایجاد و عملی می‌کرد.

جدال‌های همیشگی چهره‌های با نفوذ اجتماعی-سیاسی، برای تصاحب و حاکمیت گفتمان قدرت، زمینه‌های تنش و جنگ داخلی را فراهم ساخته است. نیروهای قدرت طلب با استفاده از امکانات نظامی و اقتصادی شان و با تکیه بر بی‌نظمی هنجاری در جامعه دست به انواع مفاسد سیاسی و اقتصادی می‌زنند. حکومت و نهاد قدرت به‌جای کنترل و محاکمه آنان، تلاش می‌کند تا از هر راه ممکن با آن‌ها وارد معامله و چانه زنی‌های سیاسی شود. در چنین حالت شکننده، لازم است تا نهاد قدرت به عنوان منشأ و تجلی مطالبات عمومی، با توسل به ابزارهای دست‌داشته شان برای نجات طیف‌ها و لایه‌های پائین جامعه از دست گروگان‌گیران سیاسی، دست به کار شوند. در صورت فرض چنین حالت، تنها راه و مسیر مطمئن برای ساختار و نظام سیاسی استفاده از انتخابات به عنوان راه کم هزینه و مؤثر بوده که با استفاده از آن نیروها و چهره‌های اغتشاش‌گر و زورگو، به راحتی نتواند در بدنه‌های تصمیم‌گیری سیاسی حضور یافته و باعث اختلال سیستم حکومت‌داری شوند.

از این حیث افغانستان بیش از هر ساختار و نظام سیاسی دیگر، نیازمند ایجاد گفتمان سازنده در سطح رهبری سیاسی و تبدیل چهره‌های ناکار آمد، زورگو، فاقد صلاحیت‌های علمی و تجربی و بی‌باور به ارزش‌های دموکراتیک، به آدرس‌های با صلاحیت، منطقی، آشنا با دانش امروزی و مجهز به تجربه‌های موفق جهانی، می‌باشد. از این‌رو انتخابات در نظام افغانستان اولویت اساسی و مهم پنداشته شده و باید رهبری سیاسی نسبت به بهتر برگزاری و نتایج حاصله از آن تلاش‌های جدی و صادقانه انجام دهند اما متأسفانه در سطح رهبری و گفتمان کلی قدرت و سیاست در افغانستان چنین نگاهی بنیادین وجود نداشته بلکه تمامی تلاش‌ها منفعت محور و سمت‌گرایانه می‌باشد.

ثبت نشان انگشت، عدم تنظیم دقیق دستگاه بایومتریک در روز انتخابات، نبود استراتژی مشخص برای روند نظارتی احزاب و نامزدان انتخاباتی، فراهم‌سازی بسترهای تقلب‌زا و فرایندهای تقلب‌محور در روز انتخابات از سوی کمیسیون انتخابات در مراکز رأی‌دهی با تعیینات مدیریت نشده و فاقد صلاحیت، این موارد و ده‌ها موارد از این دست، دلایل عدم رضایت جریان‌های سیاسی را از پروسه‌ی انتخابات ۲۸ میزان تشکیل می‌دهد.

اما از سوی دیگر رهبران حکومت وحدت ملی به شمول رئیس‌جمهور، از برگزاری انتخابات در ۲۸ میزان خوش بین بوده و آن را دستاورد حکومت‌داری و مدیریت سازنده‌ی شان تلقی می‌کنند. هرچند کمیسیون انتخابات برخی مشکلات تخنیک‌ی و فنی در روز انتخابات را می‌پذیرد؛ اما به صورت عموم باور دارد که انتخابات در فضای مناسب و به‌دور از اغراض سیاسی، تیمی، قومی و مذهبی برگزار گردیده و نتایج حاصله از آن برای نظام نوپای مردم سالاری در افغانستان مفید و جهت بخش است. اما در میان انبوه از این تنش‌ها، گفتمان حاکم میان نخبگان و چهره‌های آکادمیک کشور خارج از تعلقات تباری و سیاسی، بیان‌گر اوج ناراضی اقصا مختلف جامعه در سطح و ستون‌های گوناگون از لایه‌های اجتماعی می‌باشد. انتخابات به معنی واقعی کلمه، باید بتواند چرخش نخبگان سیاسی را به دور از هرگونه ملاحظات ساختاری و تشکیلاتی در فضای مناسب دموکراتیک مهم‌ترین اصل تشکیل ساختار سیاسی بر اساس تصامیم جمعی و اراده عمومی است؛ زیرا اصولن در الگوهای الیگارش‌ی و توتالتر هیچ شائبه و نمونه کوچک از تصمیم جمعی مبنی بر گفتمان پذیرفته شده سیاسی وجود ندارد، ساختارهای دموکراتیک در پاسخ به تک‌انگاری و فرد محوری، ایجاد و به مرحله عمل رسیده است. انتخابات در چنین ساختارها، اولویت اساسی و نهادی شناخته می‌شود.

در افغانستان به علت نوپا بودن نظام سیاسی و وجود تفاوت‌های فاحش فرهنگی، مدنی، سیاسی و قومی در سطوح مختلف، تمرین ابزارهای دموکراسی و پابندی به اصول نهادین و بنیادین نظام دموکراتیک در سطح گفتمان‌های سیاسی و فرهنگی کار دشوار و زمان‌گیر می‌باشد، اما این دشواری و مشکلات به معنی نادیده انگاشتن اصول کلی و موازین اصیل ساختارهای دموکراتیک نبوده بلکه ناشی از چالش‌های ساختاری

**اما از سوی دیگر رهبران حکومت وحدت ملی به شمول رئیس‌جمهور، از برگزاری انتخابات در ۲۸ میزان خوش بین بوده و آن را**

**دستاورد حکومت‌داری و مدیریت سازنده‌ی شان تلقی می‌کنند. هرچند کمیسیون انتخابات برخی مشکلات تخنیک‌ی و فنی در روز**

**انتخابات را می‌پذیرد؛ اما به صورت عموم باور دارد که انتخابات در فضای مناسب و به‌دور از اغراض سیاسی، تیمی، قومی و مذهبی**

**برگزار گردیده و نتایج حاصله از آن برای نظام نوپای مردم سالاری در افغانستان مفید و جهت بخش است. اما در میان انبوه از این**

**تنش‌ها، گفتمان حاکم میان نخبگان و چهره‌های آکادمیک کشور خارج از تعلقات تباری و سیاسی، بیان‌گر اوج ناراضی اقصا**

**مختلف جامعه در سطح و ستون‌های گوناگون از لایه‌های اجتماعی می‌باشد. انتخابات به معنی واقعی کلمه، باید بتواند چرخش**

**نخبگان سیاسی را به دور از هرگونه ملاحظات ساختاری و تشکیلاتی در فضای مناسب سیاسی تنظیم و اجرا نماید. انتخابات در**

**نظام‌های دموکراتیک مهم‌ترین اصل تشکیل ساختار سیاسی بر اساس تصامیم جمعی و اراده عمومی است؛ زیرا اصولن در الگوهای**

**الیگارش‌ی و توتالتر هیچ شائبه و نمونه کوچک از تصمیم جمعی مبنی بر گفتمان پذیرفته شده سیاسی وجود ندارد، ساختارهای**

**دموکراتیک در پاسخ به تک‌انگاری و فرد محوری، ایجاد و به مرحله عمل رسیده است. انتخابات در چنین ساختارها، اولویت**

**اساسی و نهادی شناخته می‌شود.**

## برگی از تاریخ

### دکتر یوسف چگونه از مقام صدارت استعفا داد؟

"در این هنگام، تمام تظاهرکنندگان، در سرک دارالامان-مقابل فابریکه‌ی حجازی و نجاری با هم پیوست شده بودند. ابتدا ظاهر بدخشی و بعدن سلطان‌علی کشتمند بالای چوب‌های چهارتراش فابریکه‌ی حجازی و نجاری که در بیرون از محوطه‌ی فابریکه قرار داشت، بلندشدند. جوانان و اجتماع را از خطر مواجه شدن با پولیس و قوای امنیتی و ایجاد بی‌نظمی آگاهی دادند. هم‌چنان ساعت ده صبح دکتور محمدیوسف و هیأت کابینه به‌شورا رفتند و جلسه‌ی رأی اعتماد در یک فضای متشنج آغاز گردید. جلسه بدون کدام بحث جدی بالای‌کابینه و خط و مشی حکومت، به‌آن رأی اعتماد دادند. در عین حال، عده‌ای از علاقمندانی که در صحن شورا و اطراف آن غرض استماع جریان رأی اعتماد رفته بودند، بعدن با تظاهرکنندگانی که در اطراف شورا و جاده‌ی دارالامان جمع نموده بودند، با هم یکجا شدند و تظاهرکنان به‌طرف مرکز شهر در حرکت شدند. در این هنگام، یک برخورد بین تظاهرکنندگان و پولیس بدون کدام موجب صورت گرفت و یک تن از پولیس‌های موتورسایکل سوار را تظاهرکنندگان به‌زمین انداختند و با پرتاب سنگ، وی را زخمی نمودند. سایر تظاهرکنندگان، محرکین این عمل را تنبیه و گذاشتند، که مظاهره شکل خشونت‌آمیز را به‌خود اختیار نماید. تظاهرکنندگان با دادن شعارهای مختلف، خودسرانه شعار می‌دادند. در جریان تظاهرات هیچ‌گونه لوحه و شعار نوشته‌شده را حمل نمی‌کردند؛ چون برنامه‌ی قبلی در این مورد نداشتند. ابتدا مظاهره‌کنندگان در سینما پامیر توقف نمودند و بیانه‌هایی ایراد کردند، بعدن جانب منار عابده میوند و سپس به‌طرف مسجد پل‌خشتی و بعدن سینما آریا به‌شکل مسالمت‌آمیز به‌تشکیل نشست‌ها و دادن بیانه‌ها پرداختند. بالاخره تظاهرکنندگان در چهار راهی پل‌باغ عمومی، حوالی عصر به‌طور مسالمت‌آمیز ختم مظاهره را اعلام کردند. بعدن هرکدام به‌سوی منازل خود روان گردیدند. این جانب هم به‌سوی منزل خود به شاه شهید رفتم؛ ولی عده‌ای بازم به‌شکل گروه‌های کوچک و نامنظم به‌طرف ماموریت کارته چهار و خانه‌ی دکتور محمد یوسف به‌تظاهرات خود ادامه دادند. علت این‌که چرا عده‌ای به‌تظاهرات علی‌الرغم اعلام ختم آن ادامه دادند، می‌توان چنین گفت؛ از یک‌طرف، در اثر هیجانات طبیعی که میان محصلان، جوانان و روشنفکران در جریان روز به‌وجود آمده بود و هنوز فروکش نهنموده بود، به‌طور ناخودآگاه به‌تظاهرات خود ادامه دادند. از جانب دیگر، یک‌عده آگاهانه این تظاهرات را که به‌طور مسالمت‌آمیز قبلاً ختم آن اعلان شده بود، آن‌را به‌طرف یک ماجراجویی سوق دادند، که باعث سرکوب خونین تظاهرکنندگان از جانب قوای مسلح گردیدند. در اثر فیر نیروهای امنیتی دو تن از اشتراک‌کنندگان تظاهرات یکی به اسم حسن خیاط و دیگری شکرالله متعلم لیس‌ی زراعت به‌شهادت رسیدند و عده‌ای هم زخمی شدند.

در نتیجه‌ی این حوادث و اصرار و پا فشاری پادشاه، دکتور محمدیوسف و کابینه‌اش با وصف اخذ رأی‌اعتماد از پارلمان، مجبور به‌استعفا گردید. هم‌چنان برای اولین بار بعد از حکومت محمد داود، سه‌تن هر یک سلطان‌علی کشتمند، انجنیر محمدعثمان-استاد فاکولته‌ی ساینس و عبدالصیر رنجبر-محصل فاکولته‌ی اقتصاد به‌حیث فعالان سیاسی از جانب نیروهای امنیتی دست‌گیر و زندانی شدند. این‌که بعضی از نویسندگان جانب‌دار و مخالف ح.د.خ.ا در آثار و نوشته‌های خود به‌وجود آمدن این حوادث را مربوط به ح.د.خ.ا و رهبران آن دانسته‌اند؛ با واقعیت‌های عینی آن‌زمان به‌هیچ‌وجه سازگار نیست. طوری که قبلاً توضیح گردید، توطئه‌های پشت پرده‌ی حلقات حاکم آن زمان، روی اهداف خاص از جمله سقوط دادن حکومت دکتور محمدیوسف در جریان بود و دست به‌چنین تحرکات پلان‌شده زدند. چنان‌چه فرکسیون پارلمانی ح.د.خ.ا و عده‌ای از شخصیت‌های ملی و مسوولین با وصف احساس و درک کمبودی‌ها در دوران حکومت انتقالی دکتور محمدیوسف، بازم در جریان رأی‌گیری به‌حکومت مؤظف دکتور محمدیوسف مخالفت نه‌ورزیدند."

منبع: از پادشاهی مطلقه‌الی سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان، عبدالوکیل، انتشارات عازم، صص ۶۸-۶۹

اصلی این فاجعه هر چه زودتر شناسایی و به محاکم و سارنوالی معرفی شود، برخی فراتر از آن نظر می‌دهند، که این افراد، باید به محاکم عدلی بین‌المللی معرفی شوند. این افراد بدین نظر است، که فساد و معاملات پشت پرده‌ی که در کشور جاری و حاکم است، اجازه نمی‌دهد، محاکم داخلی به‌گونه شفاف به این امر رسیدگی نماید.

بخش زیاد از حقوق‌دانان در صحبت‌های خصوصی با نگارنده بار بار از آمادگی شان برای تعقیب عدلی این تراژدی در محاکم داخلی و بین‌المللی یاد کرده است. یکی از کاندیدا، که راجع به پیروزی‌اش باورمند بود، به نگارنده گفت، « من در دفاع از دموکراسی نو پای کشور حاضرم در هر جای که ضرورت باشد، علیه همه آنانی که این چنین به مردم افغانستان اهانت کرده و به رای شان دست برد زده‌اند اقامه دعوا درج نمایم».

اکثریت قاطع کسانی، که با نویسندگی این گزارش در تماس بود به این امر ایمان دارند، که دیرباز کردن مراکز رای دهی، غیر فعال سازی دستگاه بايومتریك، تبدیل لیست رای‌دهندگان، دستور رای‌دهی بدون بايومتریك، تدوین لیست جدید، تبدیلی کارمندان مراکز، زد و بند با مسولین امنیتی، خرید و فروش دستگاه بايومتریك انتقال صندوق‌ها به خانه و مراکز مورد نظر تقلب کاران، عدم استخدام کارمندان مورد نیاز برای مراکز و محلات رای دهی و به‌ویژه در ساحات خاص همه و همه برنامه از پیش طراحی شده‌ای بوده که در آن روز به شکل سیستماتیک یکی بی دیگری اجرائی شده است. حال مهم این است که آیا مردم رنجیده‌ای افغانستان در مقابل این قانون شکنی می‌ایستد، یا همانند گذشته حقیقت و ارزش‌ها را قربانی مصلحت می‌نمایند؟

## رای به کسانی که پشیمانی در پی...

بررسی‌ها حاکی از آن است، که قریب به ۴۰ فیصد از افراد که قبلن ثبت شده بود، بنا به عوامل مختلف نتوانست در این سناریوی دروغین شرکت نمایند. مردم بنابه شکندگی اوضاع ناچار گردیدند تا ارزش‌ها را لگد مال و مصلحت را در نظر گرفته و با سکوت این حقارت را بپذیرند.

یکی از بزرگان کشور که سخت معتقد به دموکراسی و پای‌بند قانون است، در صحبت‌هایش گفت خانواده‌ای ۲۰ نفری ما در یکی از سایتها به نفع کاندیدای مورد نظر رای داد، اما بعدها در لیست همان سایت ۲ رای به نام آن کاندید درج شده بود. این تمسخر به اراده ملت که یقینن در تاریخ جهان نظیر و مانند ندارد، در سرتاسر کشور به این شیوه‌ای ننگین برگزار شد. در ولایت هلمند همانند دیگر ولایات کشور که هر لحظه انتحار و انفجار مردم رنج‌دیده را تهدید می‌کرد، مردم تا ساعت ۲ پس از ظهر روز اول در کنار دفاتر و مراکز رای انتظار کشیدند، اما از کارمندان کمیسیون که شاید در محل دیگر مصروف پر کردن صندوق‌ها به نفع افراد خاص شان بود، اثری وجود نداشت. در همین پایتخت تعداد زیاد مراکز اصلن در جریان دو روز برگزاری انتخابات باز نشد. روز دوم که کاملن به شکل غیر قانونی آن ادامه داشت، روز و شب بود، که کاملن برای تقلب و معاملات اختصاص داده شده بود.

در جریان این دو روز و شب در بسیاری مراکز، به‌ویژه در همین جنوب کابل زورمندان بود، که چندین صندوق رای و اوراق رای‌دهی را در خانه‌های شان انتقال داده و به شکل گروهی آن‌را پر می‌کردند، شبکه‌های اجتماعی که در بسیاری موارد این سناریوی ننگین را بازتاب داده تصاویر متعددی را در انتظار عامه به نمایش گذاشته، که می‌تواند عاملان آن را بسیار به آسانی شناسایی و مورد پی‌گرد قرار دهد. بسیاری آگاهان و توده‌های عام کشور بدین نظر است، که عاملین

## روزگار دشوار...

شفاخانه، سه نفر که انتظار او را می‌کشیدند یا در تعقیبش بودند، بر او حمله‌ور می‌شوند. در جریان درگیری یکی از حمله‌کنندگان چاقو می‌کشند که ایشان را بکشند و قبل از این‌که حمله کند، چند مسافر از راه می‌رسند و افراد رامگیر فرار می‌کنند. در این درگیری موبایل شریعتی شکسته می‌شود. سحر پس از درگیری از ترس این‌که افرادی در تعقیب او، نشانی خانه‌اش را نیابند، از راه دیگر به خانه برمی‌گردد و با برداشتن امکانات سفر، تصمیم می‌گیرد برای مدتی بیرون از کابل برود تا شاید از دسترس افراد ناآشناس که ساعت‌ها او را تعقیب و تهدید کرده بودند، دور شوند. این تهدیدها، تنها به نویسندگی کتاب هزاره‌های اهل‌سنت محدود نمی‌ماند، در رویداد مشابهی، ناشر کتاب نیز از سوی افراد ناآشناس تهدید می‌شود که گفته بودند که کتابخانه‌ی تان را آتش می‌زنیم و شیشه‌های آن را می‌شکنیم.

### نگرانی از ادامه‌ی تهدیدها

اکنون آقای سحر به کابل برگشته است؛ اما از ادامه‌ی تهدیدهای افرادی که هنوز هم هویت‌شان معلوم نیست، نگران و مضطرب است. او در فیسبوکش نوشته است: «امید است، دیگر هیچ کسی به‌خاطر نوشته‌اش تهدید نشود و مردم جواب متن را با متن بدهند.» آقای سحر از نهادهای امنیتی، دولت، نهادهای بین‌المللی و مردم خواسته است تا تنهاش نگذارند. او با اشاره بر غیرسیاسی

در این انتخابات مهم دام نیرنگ که در مسیر راه مردم افغانستان قرار داده شد، موضوع بايومتریك بود، در حالی‌که شرکت قراردادی همه‌ای خدمات را ارایه می‌کرد؛ اما کمیسیون مستقل انتخابات با برنامه‌ای که قبلن طراحی شده بود، برای اقناع افکار عامه و انحراف ذهنیت فقط سیستم و ابزار فنی آن‌را تسلیم می‌شود. بنابه گزارش‌ها که به صاحب این قلم رسیده، این ابزار فنی بیش از آن که داخل تحویل خانه‌ای عمومی کمیسیون گردد، در مسیر راه و در جریان انتقال، با افراد که قبلن در تماس بوده در معرض خرید و فروش قرار داده می‌شود. افراد استخدامی از جانب کمیسیون عمدن آموزش کامل داده نمی‌شود. در سحرگاه ۲۸ میزان پیش از آن‌که ساعت ۷، مردم مشتاق به رای‌دهی به محلات رای‌دهی حاضر شده باشد، پروسه‌ی رای تقلبی به نفع کسانی‌که در این معاملات شرم آور دخیل بودند پشت دروازه‌های بسته و حتی مراکز نیروهای امنیتی به سرعت و شدت تمام جاری بود، مراکز و محلات رای‌دهی قصدن در جریان پیش از ظهر ۲۸ میزان و یا در ساعات مانند شهرک امید سبز در غرب کابل که در روز اول باز نگردید، این‌گونه رای اندازی بدون هر گونه موازین مبتنی بر قانون در جریان همان روز جریان داشت.

تقریب اکثریت کارمندان که از جانب کمیسیون استخدام شده بودند، شب ۲۸/۲۷ میزان از ساحات که قبلن اطلاع گرفته بود، تبدیل و در جاهای دیگر توزیف می‌شود. بخش از مردم به این نظراند، که علت اصلی دیر فعال شدن مراکز، مسئله معاملات آشکار و پنهان بود، که مدیران آن مراکز با کاندیدای مورد نظر راه انداخته بود. در همان شب پا به پای تبدیلی مدیران مراکز، لیست‌ها نیز باز بینی و لیست‌های جدید به مراکز ارسال می‌شود.

پس از بگومگوهای اندک، نویسندگی کتاب آنان را به آرامی راضی می‌کند، که آن‌چه در کتاب روایت شده است، حرف‌ها و اطلاعاتی بوده‌اند که راوی روایت کرده است. ماجرا در همین جا ختم می‌شود و سحر سر صنف برای تدریس می‌رود. در مدامد شام، با ختم صنف درسی، حفیظ شریعتی (سحر) در جریان بیرون‌شدن از محوطه‌ی دانشگاه، بار دیگر با افرادی بر می‌خورد که با برآشفتگی و ماجراجویی، همان پرسش قبلی را تکرار می‌کنند: «چرا در کتاب تان آورده‌اید، که مردمان فلان السوالی‌ها که... هستند، هزاره‌اند.» آقای سحر خطاب به افراد معترض، می‌گوید: «راوی کتاب چنین باور دارد، من نیز در تحقیقاتم به این نتیجه رسیده‌ام. شما که قبول ندارید، بنویسید و نقد کنید.» گفت‌وگوها ادامه پیدا می‌کند، یکی از افراد خطاب به سحر می‌گوید: «رها کردنی‌ات نیستیم». سحر با شنیدن این حرف‌ها به دانشگاه برمی‌گردد و رئیس دانشگاه را در جریان می‌گذارد. با هماهنگی نگهبانان، یکی از استادان مسئولیت می‌گیرد که شریعتی را در مسیر خانه‌اش همراهی کند.

دکتر حفیظ شریعتی (سحر) در نزدیک خانه، در جاده‌ی شهید مزاری از موتر پیاده می‌شود. در داخل کوچه، برچی، اونچی، کوچه‌ی ایستگاه

- تنها "گپ مردم" بازتاب‌دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
- "صدای مردم افغانستان" از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند. اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس‌بوک: هفته‌نامه صدای مردم افغانستان  
آدرس دفتر: کابل، کارته - ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

مدیر مسئول  
عبدالخالق آزاد  
شماره‌ی تماس: ۰۷۹۸۵۷۷۸۰۸  
سر دبیر  
اسحق‌علی احساس  
ایمیل: sadaaym@gmail.com

زیر نظر شورای نویسندگان

سال پنجم، یک شنبه، ۶ عقرب ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۲۸ اکتوبر ۲۰۱۸ میلادی

شماره‌ی ۲۰۱

## بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی؛ فرایندی که در دانشگاه‌ها شکل گرفته و توسعه یافته است

بخش اول



افغانستان طرح و برنامه‌ی منسجم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارایه نمایند.

احزاب جهادی آن‌چنان که در اوایل با تاثیر گذاری از اخوان‌المسلمین و جامعه‌ی الازهر شکل گرفت، تا هنوز با الهام از آن الگو در صدد نسخه‌برداری برای ایجاد حکومت دینی در افغانستان است. در حالی که امارت اسلامی به شدت متأثر از اندیشه‌ی مسلط بر مدارس هند و پاکستان، که بر گرفته از قرائت خاص اسلام دیوبندی اند، قرار دارند، اما حزب التحریر که اساس یک نهاد دینی برگرفته از نوعی خلافت اسلامی متأثر از تقی الدین نابهانی فقه فلسطینی در جریان سال‌های ۱۹۵۰م می‌باشد، راه و روش با برنامه‌تر دارند. در کنار این گروه‌ها جمعیت اصلاح در سرآغاز سال‌های ۱۹۵۵، زمانی که کمال هلبوی از حامیان اخوان‌المسلمین در مصر و استاد نصر از پیروان جماعت اسلامی پاکستان در مرکز فرهنگی اسلامی افغانستان در پاکستان به تدریس علوم دینی می‌پرداختند، بنابه توجه آن دو تاسیس و حامیان آن به افغانستان اعزام شده‌اند.

در بستر این اعتقادات و باورها، به‌ویژه در سال‌های اخیر از همه بیشتر ریشه‌ی خزنده‌ی وهابیت و جریانات سلفی قابل توجه دیده می‌شود. حامیان این باورها که پس از سال ۲۰۱۴ و اعلام دولت اسلامی در عراق و سوریه، زیر نام دولت اسلامی ساختار سیاسی را به نام ولایت خراسان اعلام کردند، در این اواخر توانسته‌اند، بر بخش‌های استراتژیک از شرق و شمال کشور مسلط شوند. نظر به گزارش‌های موقف، گروه دولت اسلامی برای ولایت خراسان شورای دوازده نفری را تشکیل داده است، که در آن دوازده نفر که اکثریت قریب به اتفاق آن خارجی اند، امورات مربوط به این ولایت را هدایت و رهبری می‌نمایند.

در حوزه‌ی خراسان، مولوی عبدالرحیم مسلم دوست، از ولایت ننگرهار اولین فردی بود، که به تاریخ اول جون ۲۰۱۴ به خلیفه ابراهیم (ابوبکر البغدادی) بیعت و اولین امیر حوزوی ولایت خراسان است، که با کسب مشروعیت از آن نظام به وظایف‌اش در کشور آغاز کرد. در حالی که مولوی حافظ سعید و مولوی عبدالروف خادم، که در سال‌های اخیر، توسط پهلپادهای امریکایی هدف قرار گرفتند، هرکدام از روسای آن شورا به حساب می‌آیند، که از جانب دولت اسلامی برای اداره‌ی حوزه‌ی ولایت خراسان، مأموریت گرفته بودند. این گونه یاریگری و بازی وحشتناک برای دست‌یابی به کشوری ادامه دارد، که از موجودیت ۲۱ گروه و سازمان، که اعضای مسلح آن‌ها بنابه تایید وزارت دفاع، به بیش از ۵۰ هزار نفر می‌رسد، که از آن جمله ۸۰۲۳ نفر آن شامل هراس‌افگنان بین‌المللی و باقی طالبان مسلح است، که در سرتاسر کشور عملیات جنگی و کشتار را هدایت و تعقیب می‌نمایند.

خدمت‌گزاری برای حفظ نظام مورد نیاز جهان غرب، نمی‌توانست الگوی مورد قبول برای افراط‌گرایان جهانی به حساب آید. از این رو دیری نگذشت، که اسلام‌گرایان طالب و هم‌پیمانان جهانی آن بار دیگر، اما با دو تفسیر سیاسی و نظامی در صدد کسب قدرت و حذف رژیم وابسته به دنیای غرب گردیدند. گروه اول که ظاهرین مبارزه‌ی مسلحانه را مردود می‌دانند، می‌کوشند با نفوذ عمیق درون نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، به تدریج شرایط را برای کسب قدرت سیاسی فراهم سازند. این گروه‌ها که زیر نام و عنوان حزب التحریر، جمعیت اصلاح، جوانان حزب اسلامی، گروه امارتی و ده‌ها گروه کوچک و بزرگ دیگر فعالیت می‌نمایند، می‌کوشند، با فعالیت نیمه‌علنی به‌ویژه در دارالعلوم‌ها، مدارس دینی و عمدتاً دانشگاه‌ها اهداف شان را تبلیغ و ترویج نمایند. گروه دومی که مبارزه‌ی مسلحانه را شیوه‌ی اصلی برای دست‌رسی به قدرت سیاسی شعار می‌دهند، علاوه بر حامیان امارت اسلامی، گروه حقانی، لشکر جنگوی و طیبیه به‌خصوص، پس از سال ۲۰۱۴ هواداران دولت اسلامی را نیز برای سقوط نظم سیاسی حاکم در انتخاب این شیوه‌ی مبارزاتی زیر پوشش در آورده است.

هر دو گروه، از آن‌جایی که خواهان ایجاد حکومت اسلامی و براندازی نظم کنونی اند، در اساس با هم هم‌خوانی داشته و اما در تاکتیک و روش مبارزاتی شان با هم تفاوت دارند. یکی از خصلت مشترک این گروه‌ها این است، که تفکر بنیادگرایی افغانی ریشه‌ی وارداتی داشته و هیچ‌کدام نتوانسته در تدوین تئوریک از قرائت دینی برای ایجاد نوعی از حکومت اسلامی در

احزاب جهادی آن‌چنان که در اوایل با تاثیر گذاری از اخوان‌المسلمین و جامعه‌ی الازهر شکل گرفت، تا هنوز با الهام از آن الگو در صدد نسخه‌برداری برای ایجاد حکومت دینی در افغانستان است. در حالی که امارت اسلامی به شدت متأثر از اندیشه‌ی مسلط بر مدارس هند و پاکستان، که بر گرفته از قرائت خاص اسلام دیوبندی اند، قرار دارند، اما حزب التحریر که اساس یک نهاد دینی برگرفته از نوعی خلافت اسلامی متأثر از تقی الدین نابهانی فقه فلسطینی در جریان سال‌های ۱۹۵۰م می‌باشد، راه و روش با برنامه‌تر دارند. در کنار این گروه‌ها جمعیت اصلاح در سرآغاز سال‌های ۱۹۵۵، زمانی که کمال هلبوی از حامیان اخوان‌المسلمین در مصر و استاد ... از پیروان جماعت اسلامی پاکستان در مرکز فرهنگی اسلامی افغانستان در پاکستان به تدریس علوم دینی می‌پرداختند، بنابه توجه آن دو تاسیس و حامیان آن به افغانستان اعزام شده‌اند.

افغانستان است. در حالی که امارت اسلامی به شدت متأثر از اندیشه‌ی مسلط بر مدارس هند و پاکستان، که بر گرفته از قرائت خاص اسلام دیوبندی اند، قرار دارند، اما حزب التحریر که اساس یک نهاد دینی برگرفته از نوعی خلافت اسلامی متأثر از تقی الدین نابهانی فقه فلسطینی در جریان سال‌های ۱۹۵۰م می‌باشد، راه و روش با برنامه‌تر دارند. در کنار این گروه‌ها جمعیت اصلاح در سرآغاز سال‌های ۱۹۵۵، زمانی که کمال هلبوی از حامیان اخوان‌المسلمین در مصر و استاد ... از پیروان جماعت اسلامی پاکستان در مرکز فرهنگی اسلامی افغانستان در پاکستان به تدریس علوم دینی می‌پرداختند، بنابه توجه آن دو تاسیس و حامیان آن به افغانستان اعزام شده‌اند.

### روستایی

اسلام سیاسی در افغانستان نه محصول مدارس و مساجد سنتی، بلکه اساس جریان برخاسته از بستر دانشگاه‌های رسمی دولتی است. این گروه‌ها اولین بار در واکنش به نوگرایی سیاسی، فضای مسلط چاپ‌اندیشی درون دانشگاه‌ها و ملی‌گرایی افراطی از درون موسسات تحصیلات عالی دولتی اعلام موجودیت نموده و اما پس از کسب حمایتی بیرونی، به‌زودی در اتکا به شیوه‌ی نظامی و خشونت در مخالفت با نظام مسلط سیاسی برخاسته و با قرائت سیاسی از دین در صدد حذف ساختار سیاسی حاکم گردید. کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ زمینه‌ی مساعدی را برای این گروه‌ها فراهم ساخت، این گروه‌ها در جنگ نیابتی با قبول وابستگی و حمایت‌پذیری از سوی غرب در اوج جنگ سرد، نقش ابزاری گرفته و بالاخره در فرجام سقوط اتحاد شوروی در سال ۱۳۷۱ رهبران خارج‌نشین آن پیروزمندانه وارد کابل شدند.

ورود این گروه‌ها در کابل مناسبات قدرت را از ریشه تغییر داد. این گروه‌ها که مشروعیت سیاسی شان را از دین کسب می‌کرد، به گونه طبیعی، دین‌گرایان و آن هم عمدتاً علمای دینی را برای احراز قدرت دولتی زمینه‌ی بیشتر می‌داد. رنگ‌پذیری قدرت و آن هم از منظر دین، نخست از همه مشروعیت تاریخی قدرت را که قریب به دو و نیم سده، توسط اعیان حاکم قبایل درانی رهبری می‌گردید، زیر سوال برد. فراخوان شورای حل و عقد، توسط آقای ربانی، مشروعیت دینی قدرت را بیشتر توجیه و اما مشروعیت تباری و تاریخی آن را کاملن از عرصه‌ی سیاسی خارج کرد. این رویداد اولین جرقه‌ای بود، که در آن داعیان اقتدار دینی توانستند، حکمرانان تباری و اما غیردینی را از صحنه خارج و خود جانشین آن گردند.

این واقعه که مخالف سیاست حامیان منطوقی و دی‌روزی این گروه‌ها به حساب می‌آمد، در جنگ نیابتی نمی‌توانست به اهداف استراتژیک آن‌ها هم‌خوانی داشته باشد. در نتیجه بنیادگرایی دینی این بار با تفسیر پر رنگ‌تر که مشروعیت تباری در کنار آن جا داده شده بود، با کارگردانی از بیرون، زیر نام امارت اسلامی، الترناتیف گردید، که می‌توانست، داعیه‌ی جمهوری اسلامی آقای ربانی را پرش‌برانگیز جلوه دهد. بیعت رهبری القاعده، که به نیابت از جنبش جهانی اسلام سیاسی صورت گرفت، وجهه‌ی جهانی امیر امارت اسلامی را جذاب‌تر و زمینه‌ی ورود گروه‌های تازه‌دم و جهاد گرایان جهانی را بیشتر توجیه‌پذیر ساخت، فتح کابل توسط امارت اسلامی سبب شد، تا هراس‌افگنان بین‌المللی زیر حمایت این امارت گروه گروه داخل کشور گردیده و بالاخره افغانستان را به کانون هراس‌افگنی جهانی مبدل سازد.

واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ورق را بار دیگر به نفع جهادگرایان نخستین باز خوانی کرد. این گروه‌ها که در یک ائتلاف ضد امارت در کنار امریکایی‌ها قرار گرفته بود، پس از پیروزی بنابه

رای دهندگان چه می‌گویند؟

### نهادینه‌شدن مردم‌سالاری در

### کشور محال است

علی فروزش

در روزهای قبل از ۲۸ میزان، در هر فرصتی که با دوستان و نزدیکانم، هم‌کلام می‌شدم؛ تنها حرمم برای آنان این بود، که پرشور در انتخابات شرکت کنید. زیرا فکر می‌کردم، شهروندان این سرزمین، به‌ویژه اقلیت‌های قومی هیچ‌راهی جز رفتن به‌سوی پروسه‌های دموکراتیک چون انتخابات ندارند. استدلالم این بود؛ با وصف آن‌که تجربه‌ی موقفی از پروسه‌های انتخابی نداریم، هر چند بارها به رأی و اراده‌ی مردم دست‌برد زده شده و روند انتخابات با تقلب و تخلف بسیار رویه‌رو بوده است، اما برای مردمی که ظرفیت بدمعاش‌گری و جولان در فضای انارشیزم را ندارند، استقبال از انتخابات و ارزش‌های مردم‌سالارانه بهتر و ای بسا حیاتی‌تر از گزینه‌های دیگری چون توسل به زورگویی و بدمعاش‌گری است. در تمامی گفت‌وگوها با اطرافیان و دوستان، بر الزام و حیاتی‌بودن شرکت در انتخابات تأکید می‌کردم. در شب انتخابات، به بسیاری از آشناها و اعضای فامیلم، تماس گرفتم و از آنان خواستم تذکره‌های‌شان را آماده کنند و فردا اول صبح به‌سوی مراکز رأی‌دهی راه بیفتند. هرچند نگران وضعیت امنیتی بودم و از احتمال حملات تروریستی بر مراکز انتخاباتی، دلهره داشتم، ولی شرکت‌نکردن و تحریم انتخابات را راه حل نمی‌دانستم.

صبح‌گاه روز شنبه (۲۸ میزان)، پس از صرف صبحانه، به‌سوی مرکز رأی‌دهی که تذکره‌ام را آن‌جا، برچسب (استکر) زده بودم، راه افتادم. ساعت، هفت قبل از چاشت را نشان می‌داد. با نزدیک‌شدن به مرکز رأی‌دهی، به صف طولانی از مردم برخوردیم. همه با نظم و انضباط وصف‌ناشدنی، صف کشیده بودند و انتظار بازشدن مرکز رأی‌دهی را می‌کشیدند. در آخر صف ایستادم و با کنجاووی از افراد دور و برم، جویایی احوال شدم. همه از بسته‌بودن مرکز انتخاباتی شکایت داشتند و از محدودبودن تدابیر امنیتی مضطرب و نگران بودند. پس از یک‌ساعت و اندی انتظار، خبر آمد، که مواد حساس انتخاباتی در مرکز نرسیده است و تعدادی از کارمندان نیز غیرحاضر اند. ساعت نزدیک به نه صبح را نشان می‌داد و صف رأی‌دهندگان طولانی‌تر شده بود. با تماس‌گرفتن با دوستانم که در مراکز دیگر ثبت نام کرده بودند، دریافتم که تأخیر در روند رأی‌دهی محدود به مرکز انتخاباتی ما نیست، بلکه بسیاری از مراکز انتخاباتی بسته و غیرفعال است.

پس از انتظار بسیار، مرکز رأی‌دهی باز شد. اما سرعت کار بسیار پایین بود. از داخل مرکز خبر آمد، که از شش محل رأی‌دهی تنها دو مرکز آن فعال است و چهار مرکز دیگر آن به دلیل خراب‌بودن دستگاه‌های بایومتریک همچنان بسته مانده است. با شنیدن این حرف، تعدادی زیادی از مردم، از صف‌ها بیرون شدند و رفتند تا آب و نان بگیرند. دیدن این وضعیت روی انگیزه‌ام برای شرکت در انتخابات و استفاده از حق رأی، تأثیر بدی داشت. به‌سوی خانه راه افتادم. در مسیر بازگشت، تمامی مردم و عابران، از بی‌نظمی انتخابات، شکایت داشتند؛ یکی می‌گفت مرکز انتخاباتی در فلان مسجد تعطیل بود و ما مجبور برگشتیم، دیگری می‌پرسید؛ وضعیت امنیتی چطور بود؟ غذای چاشت را در خانه صرف کردم و بار دیگر به‌سوی مرکز رأی‌دهی حرکت نمودم. با رسیدن به محل، بازهم دیدم، که مردم در صف‌های طولانی منتظر استفاده از حق رأی‌شان اند. این بار، پس از سه‌ساعت انتظاری، موفق شدم در محل رأی‌دهی برسم. سرعت کار پایین بود و بسیاری از کارمندان انتخابات با طرز‌العمل و شیوه‌ی برگزاری انتخابات، آشنایی نداشتند. پس از ده دقیقه‌ی انتظاری در داخل مرکز، موفق شدم، رأی بدهم. اما هنوز هم که روزهای زیادی از ۲۸ میزان، می‌گذرد، از سر‌نوشت رأی ام، نگران هستم. با دیدن آن همه بی‌نظمی و بی‌برنامگی، نسبت به شفافیت پروسه‌ی انتخابات بیشتر از پیش مشکوک شدم.